

نگاهی به فضایل معنوی زینب کبری علیها السلام

حجت الاسلام والمسلمین حسین انصاریان*

اشاره

وجود مقدس زینب کبری علیها السلام، جلوه زیبایی های معنوی چهار شخصیت بزرگ اسلام، یعنی رسول اکرم صلی الله علیه و آله، خدیجه کبری علیها السلام، امیر مؤمنان علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام است. وقتی زینب علیها السلام به دنیا آمد، قنداق مبارکش را به دست رسول خدا صلی الله علیه و آله دادند و چون پیغمبر صلی الله علیه و آله برای نخستین بار به او نظر انداخت، فرمود: «هر چشمی که در این دنیا برای او گریه کند، ارزش گریه اش برابر با گریه بر حسن و حسین علیهما السلام است.»^۱؛ یعنی اگر آثار و برکات گریه بر دو امام معصوم علیهما السلام را یک طرف قرار دهیم، هم کفو و هم تراز گریه بر زینب کبری علیها السلام است و این همه، نشانگر عظمت شخصیت و مقام روحانی این بانوی بزرگ است؛ بانویی که از صفات والای اخلاقی و فضایل معنوی بهره مند است و الگویی است شایسته برای همه محبان ولایت و تشنگان عشق و انسانیت.

نوشتار پیش رو، گذری است بر مهم ترین ویژگی های معنوی و جلوه های

* نویسنده، محقق و از مبلغان نخبه دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۱. حسین انصاریان، نگاهی به مقام حضرت زینب علیها السلام، ص ۹.

شخصیتی حضرت زینب علیها السلام که امید است یکایک مسلمانان با تأسی به ایشان، حسین‌وار راه مستقیم هدایت و کمال را بپیمایند و زینب‌وار به زیور عبودیت و بندگی، علم و آگاهی، عفاف و پاکی، و حماسه و شکیبایی آراسته شوند. گفتنی است، مقاله حاضر خلاصه‌ای از بیانات حجت‌الاسلام والمسلمین استاد حسین انصاریان درباره مقام و منزلت حضرت زینب علیها السلام که امید است مورد استفاده مبلغان عزیز قرار گیرد.

عبادت و نیایش

حضرت زینب علیها السلام در خانه‌ای پرورش یافت که در آن، عبادت، جوهر زندگی بود. شخصیت ایشان در چنین خانه‌ای نورانی شکل گرفت. وقتی به نماز می‌ایستاد، گویی که فاطمه اطهر علیها السلام به نماز ایستاده است و چون مناجات می‌کرد، یاد پدر را در خاطرها زنده می‌نمود. ^۱ عبادت زینب علیها السلام به گونه‌ای بود که امام حسین علیه السلام خطاب به خواهرش می‌فرمود: «یا أُحْتَاهُ لَا تُتْسِينِي فِي نَافِلَةٍ اللَّيْلِ؛ ^۲ خواهرم! مرا در نماز شب فراموش مکن.»

این مطلب، نشان از آن دارد که این بانوی بزرگوار به قله رفیع بندگی و پرستش راه یافته و به هدف آفرینش انسان نایل شده بود. ^۳ به همین دلیل، سختی‌ها و مصیبت‌های روز عاشورا، او را از عبادت‌های مستحبی باز نداشت؛ ^۴ حتی شب یازدهم نیز نماز شب خویش را ترک نکرد؛ چنان‌که امام سجاده علیه السلام فرمود: «زینب

۱. ذبیح‌الله محلاتی، ریاحین الشریعة، ج ۳، ص ۷۹.

۲. عبدالله بحرانی اصفهانی، عوالم العلوم والمعارف والأحوال، ج ۱۱، ص ۹۵۴.

۳. اسماعیل نساجی زواره، «شمه‌ای از کمالات معنوی حضرت زینب علیها السلام»، مکتب اسلام، ش ۳، ص ۵۶.

۴. علی‌نقی فقیهی و سمیه خورشیدی، «مبانی، عملکردها و روش‌های تربیتی حضرت زینب علیها السلام»، فصلنامه علمی - تخصصی تربیت تبلیغی، پیش‌شماره ۱، ص ۱۴.

در طول راه شام، هرگز نافله نماز شب را ترک نکرد و با تمام گرفتاری‌ها و مصائب، آن را انجام داد. شبی دیدم عمه‌ام نشسته نماز می‌خواند. وقتی علت آن را پرسیدم، گفت: نشسته نماز می‌خوانم؛ چون سه شب است که بسیار گرسنه‌ام و ضعف مرا فراگرفته است؛ ایشان سهم خود از طعام و خوراک را میان کودکان تقسیم می‌کرد...»^۱

علم و آگاهی

یکی از درجات والای حضرت زینب علیها السلام، دانش بی‌کران اوست. آن حضرت از خاندانی است که از کودکی، علم به آنها چشانده شده و وجودشان از آن سیراب گردیده است. امام باقر علیه السلام درباره دانش حضرت فاطمه علیها السلام می‌فرماید: اینکه اسم مادر ما را «فاطمه» گذاشتند، علت آن این است که پروردگار در عالم معنا به مادرمان خطاب کرده: «وَقَطَّمْتُكَ بِالْعِلْمِ»^۲

فَطَم، یعنی قطع کردن و جدانمودن. لغت «فطم»، به معنای بریدن است. معنای حدیث چنین می‌شود: فاطمه علیها السلام را فاطمه می‌گویند، زیرا خدای متعال به او فرمود: من با پرکردن تو از علم خودم، تو و قلبت را از علوم همه زمینیان بریدم.

مشابه روایت امام باقر علیه السلام، بیان امام سجاد علیه السلام است که درباره عمه خود، حضرت زینب علیها السلام بیان نموده است؛ «وَأَنْتِ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةٌ غَيْرُ مُعَلَّمَةٍ فَهَمَّةٌ غَيْرُ مُهَمَّمَةٍ»^۳ خداوند را سپاس که تو تعلیم دیده و فهمنده بدون معلم و تفهیم‌کننده هستی.» دریای دانشی که در وجود مطهر زینب کبری علیها السلام موج می‌زند، مستقیماً از ناحیه حق جاری می‌شود؛ همان‌طور که خداوند دانش بی‌کران خویش را در

۱. ذبیح‌الله محلاتی، ریاحین الشریعة، ج ۳، ص ۶۲.

۲. شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۶۰.

۳. طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۳۱.

قلب پاک مادرش زهرای اطهر علیها السلام قرار داد.

خدای متعال دو نفر از پیامبران را در ایام کودکی از علم خود بهره‌مند ساخت؛ یکی حضرت مسیح علیه السلام و دیگری، یحیای نبی علیه السلام. وقتی یهودیان به مریم علیها السلام نسبت ناروا دادند و با زخم زبان خود او را آزار دادند و درباره چگونگی انتساب فرزندش به او سؤال کردند، مریم علیها السلام به گهواره اشاره نمود و جمع یهود در کمال شگفتی پاسخ دادند: «كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا»^۱ چگونه با کسی سخن بگوئیم که کودک و در گهواره است؟» در این هنگام، صدایی از گهواره برخاست که: «إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِي الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا»^۲

و یا درباره یحیای نبی علیه السلام می‌فرماید: «وَ آتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا»^۳ ما مقام نبوت را به یحیی درحالی که کودک بود، عنایت کردیم.»

بنابراین، همان‌طور که خدای متعال فاطمه زهرا علیها السلام را از عظمت روحی و علم معنوی برخوردار نموده است، زینب کبری علیها السلام را نیز از گوهر علم و آگاهی بهره‌مند ساخته است و این، نشان از ارزش‌های انتقال‌یافته از سوی امیر مؤمنان علیه السلام، حضرت زهرا علیها السلام، پیغمبر صلی الله علیه و آله و خدیجه کبری علیها السلام در وجود مبارک زینب علیها السلام دارد.

گفتنی است که حضرت زینب علیها السلام، همچون اهل بیت علیهم السلام علم خویش را انفاق می‌نمود و آن را در معرض استفاده تشنگان معرفت و آگاهی قرار می‌داد؛ چنان‌که در دوره عمر بابرکت خود سه کلاس تشکیل داد که متأسفانه از این سه کلاس، هیچ نوشته یا اثری باقی نمانده است؛ از جمله این کلاس‌ها که مخصوص

۱. مریم، آیه ۲۹.

۲. مریم، آیه ۳۰.

۳. مریم، آیه ۱۲.

خانم‌ها بود، کلاس تفسیر قرآن بود. ای کاش! دست‌کم بخشی از تفسیر حضرت به دست ما رسیده بود تا از این طریق، با عمق آیات قرآن آشنا می‌شدیم. آری، زینب علیها السلام دختر کسی است که خود از مفسران بزرگ جهان اسلام است؛ چنان‌که ابن عباس می‌گوید: من پیش امیر مؤمنان علیه السلام تفسیر قرآن می‌خواندم. آن حضرت به من فرمود: پسر عباس! اگر من آنچه در هفت آیه سوره حمد است، برای شما بگویم و شما هم گفته‌های من را بنویسید، در پایان، باید هفتاد شتر جوان را بیاورید و این نوشته‌ها را بار کنید تا بتوانید آنها را با خود ببرید.^۱

کلاس دیگری که زینب کبری علیها السلام داشت، درباره فقه بود. اگر مطالب این کلاس نیز ثبت و ضبط شده بود و به دست ما می‌رسید، هشتاد درصد کار فقهای عصر ما آسان شده بود؛ زیرا آن بانوی بزرگ، چشمه زلال فقه و دانایی بود و اینها همه ریشه در ایمان و اعتقاد قلبی ایشان داشت. محمد جواد مغنیه می‌گوید: «ایمان زینب علیها السلام، همچون ایمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود. این سخن را از روزی مبالغه نمی‌گویم. چه دلیلی بهتر از اینکه آن حضرت در شب یازدهم محرم، نماز شب خود را ترک نکرد.»^۲

حجاب و عفاف

حضرت زینب علیها السلام با الهام از قرآن کریم و آموزه‌های مادر بزرگوار خویش، حجاب و عفاف را مانند گوهر، ارزشمند می‌دانست. از این رو، حجاب و عفت، آن قدر از نگاه زینب علیها السلام اهمیت دارد که حتی در دوران اسارت نیز آن را حفظ می‌کند.^۳ علامه مامقانی در این باره می‌گوید: «زینب در حجاب و عفت، یگانه

۱. قندوزی، *ینایع المودة*، ج ۱، ص ۲۰۵.

۲. عایشه بنت الشاطیء، *مع بطة الکریلا*، ص ۱۷.

۳. حسن خلجی، «الگوهای رفتاری حضرت زینب علیها السلام»، *طهورا*، ش ۱۲، ص ۱۰۲.

بود. از زمان پدر و برادرانش، هیچ‌کس از مردان او را ندیده بودند.^۱

یحیی مازنی، یکی از اهالی مدینه می‌گوید: من در شهر مدینه و در همسایگی امیر مؤمنان، علی علیه السلام بدم و منزلم پهلوی خانه‌ای بود که زینب، دختر علی، در آنجا زندگی می‌کرد. به خدا سوگند! هیچ‌گاه کسی قد و قامت او را ندید و صدای او را هم نشنید. او هرگاه می‌خواست به زیارت جدّ بزرگوارش پیامبر خدا برود، در دل شب و به همراه پدرش امیر مؤمنان علیه السلام و برادرانش حسن و حسین علیهما السلام می‌رفت. امام علی علیه السلام در مورد این‌گونه تشرّف زینب علیها السلام، خطاب به امام حسن علیه السلام می‌فرمود: «أَحْسَى أَنْ يَنْظُرَ أَحَدٌ إِلَيَّ شَخْصِ أُمَّتِكَ زَيْنَبُ؛^۲ بیم دارم که کسی به اندام خواهرت زینب نگاه کند.»

زندگی حضرت زینب علیها السلام و رعایت حجاب و عفاف، الگوی روشنی است برای بانوان که گوهر وجود خویش را در صدف حجاب و عفاف از گزند نامحرمان مصون دارند و پیرو راستین سیره و منش این بانوی عظیم‌الشان باشند.

شکیبایی توأم با معرفت

مواجهه زینب کبری علیها السلام با حادثه کربلا، برخوردی صابراانه بود؛ درحالی‌که ایشان سخت‌ترین، سنگین‌ترین، دردناک‌ترین و رنج‌آورترین حادثه تاریخ را دیده است و تمام سنگینی بار این واقعه، روی دوش زینب علیها السلام است. افزون بر این، حضرت از طرف برادر مأمور شد که هشتاد و چهار داغ‌دیده را از کربلا تا شام و از شام تا مدینه سرپرستی کند. آری، ایشان همه این مصیبت‌ها را تحمل کرد و با مدیریت شایسته خود، پیام شهدای کربلا را به گوش همگان رساند.

۱. مامقانی، تنقیح المقال، ج ۳، ص ۷۹.

۲. عبدالله بحرانی اصفهانی، عوالم العلوم والمعارف والأحوال، ج ۱۱، قسم ۲، ص ۹۵۵.

همچنین، آن حضرت علیها السلام در برابر این حادثه بزرگ و دشوار، رفتاری الهی از خود نشان داد؛ چنان‌که از زمان وقوع این حادثه تا روز وفاتش، حتی یک بار هم از حادثه کربلا گلایه یا شکایت نکرد؛ بلکه همواره در درگاه حق تعالی شاکر بود. به‌راستی چه کسی تحمل دارد در برابر چنین حادثه‌ای، بنده شاکر پروردگار خویش باشد!

زمانی که ابن‌زیاد در بارگاه خود با حالت تمسخر به زینب کبری علیها السلام گفت: رفتار خداوند را با به اهل بیت خود چگونه دیدی، در پاسخ فرمود: «وَمَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا»^۱ جز رفتاری زیبا و نیک از خداوند ندیدم. این کلام بلند، به این معناست که خدای متعال امامت را با شهادت درهم آمیخت و بالاترین زیبایی را درست کرد؛ حتی بالاتر از زیبایی یوسف علیهِ السلام.

در روز یازدهم، آن حضرت دو دست مبارکش را زیر بدن قطعه‌قطعه‌شده اباعبدالله علیهِ السلام برد و با یک دنیا ادب به سوی آسمان برگشت و به پروردگار عرض کرد: «اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنَّا هَذَا الْقَلِيلَ؛ خدایا! این اندک را [به عنوان قربانی] از ما قبول کن.»^۲ البته گفتن و شنیدن این گونه مسائل، آسان است؛ ولی اگر ذره‌ای از این مصایب بر سر ما بیاید، قادر به تحمل آنها نیستیم و زبان به شکایت می‌گشاییم؛ درحالی‌که عبادت و صبر و شکر، همگی در وجود مقدس زینب کبری علیها السلام جمع شده است. امام صادق علیهِ السلام در بیانی بلند به این مسئله اشاره نموده و سخنی به این مضمون دارد که:

به خدا قسم! زمانی که خدا به ملائکه خبر داد: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»^۳

۱. ابن‌نما حلی، مشیر الأحرار، ص ۷۱ و ۹۰.

۲. حسن بن محمد دیلمی، غرر الأخبار، ص ۲۷.

۳. بقره، آیه ۳۰.

و ملائکه نیز گفتند: «أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ»، خدا به آنها فرمود: «إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»^۲ من از آفرینش انسان، چیزی می دانم که شما نمی دانید.» وقتی عصر عاشورا فرارسید، خداوند خطاب به ملائکه گفت: زینب علیها السلام را ببینید؛ چنین موجودی را می خواستم خلق کنم.^۳

آری، چنین زنی، خلیفه خدا و انسانی کامل به معنای واقعی کلمه است. شگفتا! خانمی که سرشار از عاطفه و رأفت قلبی است، در یک نصف روز، هفتاد و دو نفر را جلوی چشمان او سر می برند و قطعه قطعه می کنند و بعد او می آید کنار این بدن های پاره پاره می نشیند و می گوید: «اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنَّا هَذَا الْقَلِيلَ»^۴

سرپرستی و رهبری حکیمانه

حضرت زینب علیها السلام از افراد تأثیرگذار در نهضت امام حسین علیه السلام بود و نقش بنیادین در مصونیت سازی آن داشت؛ به گونه ای که نام ایشان با قیام کربلا گره خورده است. تأثیر رهبری ایشان در این قیام، کمتر از تأثیر خون شهیدان نیست. سرّ نی در نینوا می ماند اگر زینب نبود

کربلا در کربلا می ماند اگر زینب نبود

در عبور از بستر تاریخ، سیل انقلاب

پشت کوه فتنه ها می ماند اگر زینب نبود

از سوی دیگر، زینب علیها السلام سرپرستی و مراقبت از اهل بیت علیهم السلام و بازماندگان را برعهده داشت و این، سخت ترین مسولیت زینب علیها السلام بود؛ چراکه دشمنان،

۱. بقره، آیه ۳۰.

۲. بقره، آیه ۳۰.

۳. بقره، آیه ۳۰.

۴. حسن دیلمی، غرر الأخبار، ص ۲۶.

اهل بیت علیهم السلام را از مسیر طبیعی عراق به شام نبردند؛ بلکه آنان را در حالی که جلوی محمل‌ها ۱۸ سر بریده را بر بالای نیزه‌ها زده بودند، از منطقه موصل و حدود کرکوک، مرز روم شرقی ترکیه آن زمان، به سوی دمشق بردند؛ یعنی از جانب مناطق کردنشین و ترک‌نشین که آن وقت اغلب این کردها و ترک‌ها، مسیحی بودند. در این شهرها نیز برای خوشایند یزید، این مردم مسیحی بیرون می‌ریختند و سرود می‌خواندند، پایکوبی می‌کردند و به زن و بچه داغ‌دیده سنگ و چوب می‌زدند. گویند در مسیر کربلا تا شام، هر جایی که برای استراحت توقف می‌کردند، خود لشکر یزید آشپزخانه مفصلی بر پا می‌نمود؛ اما اسیران باید به ذره‌ای نان خشک قناعت می‌کردند و سختی را تحمل می‌نمودند.

در شام یزید از لشکر خویش پرسید: این اسرا از کربلا تا اینجا چه واکنشی از خود نشان دادند؟ در پاسخ او گفتند: دو واکنش داشتند؛ یکی اینکه جز آقایی و کرامت نشان از خویشتن بروز ندادند و از کربلا تا شام، هیچ‌کدام آنان، از کوچک و بزرگ یا پیر و جوان، حتی یک تقاضا هم از ما نکردند. واکنش دوم آنها این بود که با این همه سختی راه، گرسنگی و تشنگی، هر جا که آنها را پیاده می‌کردیم، مشغول خواندن قرآن می‌شدند یا به عبادت می‌پرداختند و صورت روی خاک گذاشتند و به مناجات بر می‌خاستند.

آری، زینب کبری علیها السلام این چنین هشتاد و چهار نفر از خاندان امام حسین علیه السلام را به زیبایی سرپرستی و رهبری کرد. برای روشن‌تر شدن مطلب، این نکته را یادآور می‌شوم که در زمان محمدرضا شاه پهلوی وقتی می‌خواستیم به حکومت انتقاد کنیم، اسم شاه را نمی‌بردیم و به جای آن، اسم معاویه یا یزید را بر زبان می‌راندیم. ساواکی‌هایی که پای منبرمان بودند، می‌فهمیدند که داریم به حکومت کنایه می‌زنیم، روز بعد ما را دستگیر می‌کردند و به زندان می‌انداختند.

در طول عمرمان، خودِ شاه را هم ندیدیم و اگر روزی رودررو او را می‌دیدیم، معلوم نبود بتوانیم از او انتقاد کنیم. من عرض می‌کنم که قدرت یزید، چندین برابر قدرت شاه ما بود و کشورش نیز بیش از ایران امروزی وسعت داشت؛ اما شما ملاحظه می‌کنید که در چنین بارگاهی، زینب کبری علیها السلام از جا بلند می‌شود و خطاب به یزید می‌گوید: «این الطلقاء؛^۱ ای فرزند بردگان و غلامان آزادشده»؛ یعنی ای پسر مردمان پست و لعین! ای پسر مردمانی که بچه‌هایشان انتساب درستی به والدین خود نداشتند و معلوم نیست که پدر و مادرشان چه کسی است! آری، تو از چنین خانواده‌ای هستی.

اینها همه نشانه عظمت روحی و بزرگی شخصیت زینب کبری علیها السلام است که از هیچ‌کسی جز خدای متعال ترس ندارد و سخن حق را به‌صراحت بر زبان جاری می‌سازد. یزید با آن همه شوکت و عظمت ظاهری، مات و مبهوت برخورد زینب علیها السلام شده بود و در واقع، با سخنان بیدارگرانه زینب کبری علیها السلام شکست خورده بود. از این‌رو، برای آنکه بتواند حقارت و افتضای خود را سرپوش گذارد، جلوی چشم زینب علیها السلام، چوب خیزران خود را برداشت و به سر بریده امام علیه السلام اهانت کرد. در این لحظه، بچه‌های کوچک، دامن عمه خود را گرفتند و همه فریاد زدند: وامحمد! واعلیا!

۱. ابن‌طیفور، بلاغات النساء، ص ۲۲.